

## ۱۷ نکته کلیدی برای طراحان نظام‌های انتخاباتی

نوشته اندرو رینولدز و دیگوان

ترجمه غزاله اشرفی \*

### نظام انتخاباتی: انتخابی مهم

طراحی یک نظام انتخاباتی، یکی از مهم‌ترین تصمیمات نهادین برای یک نظام مردم سالار تلقی می‌شود. تقریباً در تمامی موارد، طراحی یک نظام انتخاباتی خاص، دارای تأثیری عمیق و گسترده بر روی حیات سیاسی یک کشور خواهد بود و زمانی که طراحی یا انتخاب یک نظام انتخاباتی، صورت پذیرفت، این نظام‌ها معمولاً به شکل دائمی درمی‌آیند و از آنها چنین انتظار می‌رود که منافع سیاسی را تأمین و تحکیم کنند. در گذشته، طراحی نظام‌های انتخاباتی، کاری چندان مرسوم نبود و در انجام چنین کاری، معمولاً از روش آزمون و خطا و تصادف و شانس استفاده می‌شد و طبیعتاً نتایج چنین طراحی‌ها و انتخاب‌هایی هم نمی‌توانست تماماً مطلوب و خواسته باشد. اما از آنجایی که بحث انتخابات در نظام‌های مردم سالار، بحثی اساسی و بنیادین است، از طراحی یا گزینش نظام‌های انتخاباتی هم گریز و گزیری نیست. افزون بر این که تغییر نظام‌های انتخاباتی با هدف دستیابی به کارکردهای بهینه، چه در نظام‌های مردم سالار دارای قدمت و چه در نظام‌های مردم سالار جدید، مسأله‌ای در خور توجه است. این مسأله می‌تواند از دو منشاء سرچشمه بگیرد. نخست آن که بازیگران سیاسی

\* کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی

در زمان طراحی یا انتخاب نظام‌های انتخاباتی از اطلاعات لازم و کافی برای نیل به یک انتخاب یا طراحی بهینه برخوردار نبودند و دوم آن که با جلو رفت زمان، بازیگران سیاسی در پی ارتقاء نظام انتخاباتی خویش و جلب منافع بیشتر از این طریق برآمده‌اند. در هر دو صورت، حاصل کار، نیاز به تغییر نظام انتخاباتی است. زمانی که انتخابی صورت گرفت، این انتخاب دارای پی‌آمدهایی پیش‌بینی نشده و هم چنین، تأثیراتی مورد انتظار خواهد بود. البته این انتخاب‌ها، همواره بهترین انتخاب برای درازمدت، نیستند و چه بسا در آینده شرایطی پدید آید که در این انتخاب‌ها نیاز به تجدیدنظر باشد. به همین دلیل است که طراحی یا انتخاب نظام انتخاباتی امری مهم تلقی می‌شود.

حرکت جهانی به سوی ایجاد حکومت‌های مردم‌سالار در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی منجر به تمایل فزاینده‌ای برای طراحی نظام‌های انتخاباتی مناسب گردید. در این حالت چنین اندیشیده می‌شد که یک نظام انتخاباتی می‌تواند مزایای فراوانی از جمله گسترش احزاب و گروه‌های ملی قدرتمند و قابل اعتماد داشته باشد و به مهندسی جوامعی که دارای خطوط گسلی اقلیتی یا قومی هستند کمک کند. بدین خاطر است که امروزه نظام‌های انتخاباتی به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مسایل پیش‌روی یک نظام سیاسی است که در ابعادی وسیع‌تر، شیوه‌های حکمرانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

آنچه را که نوشتار حاضر مورد توجه قرار خواهد داد، شناسایی و بررسی نظام‌های انتخاباتی نیست، بلکه در واقع توصیه‌هایی کلیدی و مهم برای طراحی نظام‌های انتخاباتی است که به آنها کمک می‌کند تا در کنار خویش جنبه‌های مختلف و بعضاً نامشکوف، این امر خطیر را با بصیرت و آگاهی دنبال کنند.

### تجارب دیگران؛ عرصه‌ای برای تجربه‌آموزی

پس از مطالعه تطبیقی انواع نظام‌های انتخاباتی، شاید روشن‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت، شناسایی گستره و میزان فایده و سودمندی انتخاب‌های ممکن

است. در اغلب موارد، طراحان چارچوب‌های قوانین اساسی، سیاسی و انتخاباتی، طرحی را انتخاب می‌کند که آن را بهتر می‌شناسند و با آن مانوس‌ترند. به عنوان مثال چنان چه کشوری پیشتر، تحت استیلائی یک قدرت استعماری قرار داشته باشد، پس از دستیابی به استقلال، معمولاً به جای آن که به طراحی یک نظام انتخاباتی بپردازد - در صورت وجود پدیده انتخابات و مردم سالاری در این نظام جدید - اغلب به نظام موجود در کشور استعمارگر روی می‌آورد و از آن نسخه‌برداری می‌کند.

بدین ترتیب است که کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات گوناگون با هدف تولید دانش و آگاهی برای دستیابی به تصمیماتی دانش پایه در این زمینه به رشته تحریر درمی‌آیند. نوشته‌ی حاضر نیز که در چنین چارچوبی جای می‌گیرد، در پی آن نیست تا به عنوان محرک یا مشوقی برای تغییر نظام‌های انتخاباتی موجود باشد، بلکه در پی آنست تا با بهره‌گیری از نگاهی مقایسه‌ای انواع نظام‌های انتخاباتی که اسامی آنها را به صورت مخفف یاد خواهیم کرد، راه را برای بازسازی یا بهسازی بخش‌هایی از نظام‌های موجود که گمان می‌رود در صورت اصلاح به کارکرد بهینه نظام کمک کند. هموار سازد. گمان نویسندگان آنست که اصلاح نواقص نظام موجود، بهتر از طراحی و پذیرش یک نظام کاملاً جدید با مشکلات و محدودیت‌های خاص است.

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد که از تجارب دیگران، بسیار می‌توان آموخت. به عنوان مثال، کشوری که دارای نظام انتخاباتی FPTP<sup>۱</sup> است و مایل است به سوی یک نظام سنجی‌تر حرکت کند و در عین حال، ارتباطات جغرافیایی خود را با شهروندان و رأی دهندگان نیز حفظ کند، می‌تواند به تجارب نیوزیلند که در ۱۹۹۳ نظام MMP<sup>۲</sup> را برگزید یا لسوتو که در ۲۰۰۲ به این کار اقدام کرد، نگاهی داشته باشد.

به همین ترتیب، کشوری که دارای گسست‌ها و تقسیم‌بندی‌های زیادی است و قصد دارد به سوی نوعی مردم‌سالاری حرکت کند، ممکن است مدل دولت چند قومی بر اساس مدل PR<sup>۳</sup> را که در کشور آفریقای جنوبی وجود دارد یا آن

چه را که در ایرلند شمالی، مجلس را از طریق نظام STV<sup>۴</sup> برمی‌گزینند، انتخاب کند. دست آخر، کشوری که تنها قصد دارد میزان هزینه‌ها و بی‌ثباتی ناشی از یک نظام TRS<sup>۵</sup> در انتخاب رییس جمهور را کاهش دهد، می‌تواند از روش AV<sup>۶</sup> که در جمهوری ایرلند استفاده شده بهره بگیرد. در تمامی آن چه بیان شد، انتخاب نظام انتخاباتی، دارای تأثیری روشن بر سیاست‌های آن کشور بوده است.

بر این اساس، هر کشوری به فراخور خواسته‌ها و نیازهایی که دارد و متناسب با فرهنگ و اقتصادی که از آن بهره می‌جوید، نظام انتخاباتی خاص خویش را طراحی کرده به اجرا در می‌آورد. شناخت نظام‌های انتخاباتی، مقوله‌ای است که علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به کتب و نوشته‌هایی در خصوص شناسایی نظام‌های یاد شده، اطلاعات خود را کامل کنند، آن چه در این مجال مورد توجه قرار خواهد گرفت، خطوط راهنما و توصیه‌هایی است که چنان چه در طراحی نظام‌های انتخاباتی مورد توجه طراحان قرار گیرد، میزان کارآمدی نظام طراحی شده، بیشتر خواهد بود.

### ۱- نظام انتخاباتی را آسان و شفاف طراحی کنید

نظام‌های انتخاباتی کارآمد و پایدار، نظام‌هایی هستند که به سادگی از سوی رأی‌دهندگان و سیاستمداران درک می‌شوند. نظام‌های دارای پیچیدگی فراوان، به عدم شناخت درست، پی‌آیندهای ناخواسته و سرانجام، عدم اعتماد رأی‌دهندگان به نتایج منجر خواهد شد.

### ۲- از خلاقیت نگریزید

بسیاری از نظام‌های انتخاباتی موفق در دنیای امروز، رویکردهایی خلاقانه به مسایلی خاص داشته و کارایی خویش را در عمل نیز به اثبات رسانده‌اند. تجارب دیگران، چه کشورهای همسایه و چه مواردی کاملاً متفاوت، مدرسه‌هایی عالی برای یادگیری و تجربه‌اندوژی محسوب می‌شوند.

### ۳- به عوامل محیطی و زمانی توجه کنید

نظام‌های انتخاباتی در حلاله کار نمی‌کنند. میزان موفقیت آنها به تلفیق حساب شده و آگاهانه نهادهای سیاسی و سنت‌های فرهنگی بستگی تمام دارد. از این رهگذر شاید بتوان گفت که نقطه عزیمت برای هر طراحی نظام انتخاباتی، این سوال باشد که مختصات بافت سیاسی و اجتماعی که در آن کار می‌کنم چیست؟ پرسش دوم در این باره ممکن است این گونه مطرح شود که آیا من در پی طراحی یک نظام دائمی هستم یا آن که این نظام انتخاباتی، چهره یک گذر از مرحله‌ای زمانی به مرحله دیگر را به خود می‌گیرد؟

#### ۴- رأی‌دهندگان را دست کم نگیرید

اگرچه سادگی، مسأله‌ای مهم است اما دست کم گرفتن هوشمندی رأی‌دهندگان، در مقایسه یک نظام انتخاباتی با نظام‌های انتخاباتی دیگر در جهان نیز امری خطرناک است. حتی در کشورهای فقیر نیز رأی‌دهندگان، اغلب تمایل دارند تا ترجیحات و انتخاب‌های سیاسی خود را با اطمینان از به جا بودن نظام انتخاباتی خویش دربرآوردن خواسته‌هایشان بیان کنند.

#### ۵- شمولیت

گاه اتفاق می‌افتد که در همه‌ی انواع جوامع چه‌انهایی که از همگنی کافی برخوردارند یا جوامعی که دارای گسست‌ها و گسل‌های گوناگون هستند، نظام انتخاباتی نمی‌تواند منافع همگان را به شکل قابل قبول در برداشته باشد. در این حال تفاوتی نمی‌کند که اقلیت بیرون افتاده از این شمولیت، ایدئولوژیکی، قومی، نژادی، زبانی، منطقه‌ای یا دینی باشد؛ زیرا در هر حال، چنین بیرون افتادگی‌هایی در عصر حاضر می‌تواند نتایج بی‌اندازه خطرناکی را به دنبال آورد.

#### ۶- فرایند به مثابه عاملی کلیدی در انتخاب

شیوه‌هایی که به واسطه‌ی آن، یک نظام انتخاباتی برگزیده می‌شود نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا مقبولیت عمومی چنین گزینشی، در گرو آن است. شیوه‌ای که در آن، اغلب یا همه صاحب‌نظران یک اجتماع مورد مشورت قرار گرفته باشند از میزان مقبولیتی بیشتر و موفقیتی افزون‌تر از شیوه‌ای برخوردار

خواهد بود که در آن، تنها منافع خاص و بخشی با محدوده‌ای کوچک در نظر آورده شده باشد. به عنوان مثال در اصلاح نظام انتخاباتی نیوزیلند از نظام FPTP به نظام MMP، دوباره رأی‌گیری عمومی به عمل آمد تا میزان مشروعیت نهایی این انتخاب بالا باشد. در حالی که تصمیم دولت سوسیالیست فرانسه در ۱۹۸۶ مبنی بر تغییر نظام دو مرحله‌ای به نظام PT به شکلی گسترده به عمل اعمال ملاحظات حزبی و گروهی تلقی شد و لذا با تغییر دولت در ۱۹۸۸، به سرعت به جای خود برگشت.

#### ۷- در میان تمامی عوامل کلیدی مشروعیت و مقبولیت ایجاد کنید

تمامی گروه‌هایی که می‌خواهند در فرایند سیاسی به ایفای نقش پردازند باید دارای چنین احساسی باشند که نظام انتخاباتی آنها، یک نظام منصفانه است و به همه افراد به چشمی واحد می‌نگرد. هدف نهایی از طراحی یک سیستم با چنین ویژگی‌هایی آنست که شکست افراد یا گروه‌هایی در انتخابات نباید به ناامیدی آنها و سپس رد کردن اصل نظام انتخاباتی یا مستمک قرارداد آن برای مقابله با همبستگی ملی تبدیل شود. در ۱۹۹۰، ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه رأی نیاوردند، اما این شکست را پذیرفتند چون به منصفانه بودن نظام انتخاباتی اعتماد داشتند. کامبوج، موزامبیک و آفریقای جنوبی نیز جنگ‌های خونین داخلی خویش را از خلال جنبش‌هایی نهادین که به شکلی گسترده مورد قبول همه جناح‌ها بود، خاتمه بخشیدند.

#### ۸- بکوشید تا تأثیر رأی‌دهندگان را به حداکثر برسانید

رأی‌دهندگان باید احساس کنند که انتخاب، وسیله‌ای است که نفوذ و تأثیر آن را بر روی دولت‌ها و سیاست‌های دولتی فراهم می‌آورد. رأی‌دهندگان ممکن است میان احزاب، میان نامزدهای حزبی مختلف یا میان نامزدهای یک حزب واحد، دست به انتخاب بزنند. از سوی دیگر، آنها ممکن است در هر نوع از انتخابات مثلاً ریاست جمهوری، مجلس یا انتخابات محلی، در درون نظام‌های

انتخاباتی متفاوت عمل کنند. افزون آن که رأی دهندگان باید احساس اطمینان کنند که رأی آنها تأثیری اساسی در شکل‌گیری دولت و تصمیمات آن و نه فقط ترکیب آن خواهد داشت.

#### ۹- در پی تعادل باشید

تمایل به حداکثرسازی تأثیر رأی‌دهندگان نباید به گونه‌ای باشد که انسجام احزاب و گروه‌های سیاسی را برهم بزند. گاهی این حداکثرسازی می‌تواند منجر به بروز گونه‌ای از هم‌گسیختگی شود که در تضاد با اهداف اولیه و مورد انتظار باشد. دانشمندان علوم سیاسی تقریباً در میان خود به این اجماع رسیده‌اند که احزاب و گروه‌های سیاسی منسجم در یک کشور، از جمله مهم‌ترین عوامل مقوم کارآمدی و پایداری مردم‌سالاری خواهد بود.

#### ۱۰- ثبات درازمدت و منافع کوتاه‌مدت همواره با یکدیگر هم خوانی ندارند

زمانی که کنش‌گران سیاسی درخصوص یک نظام انتخاباتی جدید با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند، اغلب پیشنهادهایی را مطرح می‌کنند که گمان دارند منافع حزب یا گروهشان را در انتخابات بعدی، تأمین خواهد کرد. با این وجود، این مسأله در اکثر اوقات، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند یک استراتژی غیر هوشمندانه باشد؛ زیرا چه بسیار اتفاق می‌افتد که موفقیت‌های کوتاه‌مدت یک حزب یا یک گروه به شکست‌های سیاسی بلندمدت و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود.

به همین شکل، نظام‌های انتخاباتی باید از توان پاسخگویی و واکنش کافی و مؤثر نسبت به تغییر شرایط سیاسی و رشد جنبش‌های جدید سیاسی برخوردار باشند. حتی در کشورهایی که سالهاست نظام مردم‌سالاری را تجربه کرده‌اند و اصطلاحاً در آنها دموکراسی‌های مستقر وجود دارد، حمایت از احزاب عمده، امری دایمی نیست و دچار تغییر می‌شود و این در حالی است که کشورهایی که از تجربه مردم‌سالاریشان سال‌های زیادی نمی‌گذرد، از پویایی بالایی برخوردار

هستند و لذا حزب یا گروهی که از ترتیبات انتخاباتی در یک انتخابات بهره می‌جوید، ضرورتاً در نتایج بعدی نیز از آن بهره نخواهد جست.

#### ۱۱- نظام انتخاباتی مورد نظر، دوی هر دردی نیست

درست است که برای ایجاد تغییر در سرشت رقابت سیاسی، نظام انتخاباتی مؤثرترین ابزار محسوب می‌شود اما نباید فراموش کرد که نظام‌های انتخاباتی هرگز نمی‌توانند به مثابه دارویی برای تمام دردهای سیاسی یک کشور تلقی شوند.

وجود دیگر متغیرها، به ویژه فرهنگ سیاسی یک کشور، معمولاً دارای تأثیری بیشتر از تأثیر عوامل نهادین مانند نظام‌های انتخاباتی هستند. افزون آن که تأثیرات مثبت یک نظام انتخاباتی خوش تراش ممکن است تحت تأثیر عواملی دیگر، از جمله تهدیدات خارجی نسبت به حاکمیت یک کشور یا عواملی داخلی هم چون تضادهای موجود میان نیروهای درونی کشور، کم‌رنگ و برهم شود.

#### ۱۲- آن را دست کم نیز نباید گرفت

بیشتر اشاره کردیم که نظام انتخاباتی، دوی هر دردی نیست با این وجود، در ساختار بندی ثبات در هر نظام سیاسی، نقشی محوری را ایفا می‌کند. به بیانی دیگر باید گفت که اگرچه اغلب تغییرات به وجود آمده به وسیله یک مهندسی خوب دربارهی نظام‌های انتخاباتی، تغییراتی حاشیه‌ای هستند، اما اغلب اوقات همین تأثیرات حاشیه‌ای میان نظام‌های مردم‌سالار پایدار و ناپایدار تمایز می‌گذارند.

#### ۱۳- نسبت به تمایل رأی‌دهندگان در مورد تغییر نظام انتخاباتی مطمئن شوید

تغییر نظام انتخاباتی، ممکن است از نظر سیاستمدارانی که در درون نظام سیاسی و در جریان نظام انتخاباتی موجود هستند، پدیده‌ای مطلوب تلقی شود، اما چنانچه این مطلوبیت به گونه‌ای مناسب تشریح نشود، چه بسا افکار عمومی، آن را نپذیرند و ایجاد تغییرات را به مثابه‌ی گونه‌ای بازی سیاسی



بیندارند که سیاستمداران در راستای منافع خود از آن حمایت می‌کنند. بدترین حالت زمانی است که این تغییرات به عنوان یک منفعت طلبی سیاسی تلقی شود (مانند شیلی در ۱۹۸۹، اردن ۱۹۹۳) یا زمانی که نظام انتخاباتی چنان مکرر تغییر می‌کند که رأی‌دهندگان اصلاً متوجه نمی‌شوند که در کجای کار قرار دارند (برخی نویسندگان مورد بولیوی را به عنوان مثال ذکر کرده‌اند).

۱۴- هرگز گمان نکنید که نقایص را به سادگی می‌توان در آینده برطرف ساخت بدون شک هر نظام انتخاباتی، دارای برندگان و بازندگان است. در یک نظام انتخاباتی از پیش موجود، اینها در واقع، جزئی از محیط سیاسی تلقی می‌شوند. با این وجود، به هنگام تغییر، چنین گمانی که بتوان در آینده، مقبولیت لازم برای حل مشکلات و رفع نقایص را بدست آورد، گمانی هوشمندانه نخواهد بود.

۱۵- از این که برده‌نظام‌های سیاسی گذشته باشید، پرهیزید

در مورد نظام‌هایی سیاسی که بیشتر تحت سیطره قدرت‌های استعمارگر بوده‌اند، نظام‌های انتخاباتی، میراثی از دوران استعمار هستند؛ لذا اغلب اوقات بدون آن که با واقعیت‌های سیاسی جدید تطبیق داده شوند، مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. از این رهگذر، اغلب کشورهای مستعمره‌ی انگلستان در آسیا و آفریقا از نظام انتخاباتی FPTP استفاده می‌کردند. این مسأله باعث شده بود تا این کشورها، به ویژه آنهایی که با تقسیمات قومی روبه‌رو بودند نتوانند به نیازهایشان پاسخ مثبت دهند. بدین روی، عقیده بر آنست که بسیاری از مستعمرات پیشین فرانسه در آفریقای غربی که از نظام TRS بهره می‌جستند (مانند مالی)، از قطبی شدن جامعه در رنج بودند. این مسأله در مورد برخی کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی نیز صدق می‌کرد. بدین ترتیب با تغییر نظام‌های سیاسی، لازمست تا نظام‌های انتخاباتی جدید متناسب با نیازهای کشور، طراحی و به اجرا درآیند.

۱۶- تأثیرات هر نوع نظام انتخاباتی احتمالی را بر روی منازعات اجتماعی

ارزیابی کنید

توجه به این نکته ضروری است که نظام‌های انتخاباتی، فقط سازوکارهایی برای برگزیدن افراد قوه مقننه یا انتخاب رؤسای جمهور نیستند، بلکه ابزاری برای مدیریت مسازعات در درون یک جامعه نیز هستند. به عنوان مثال اگر یک نظام انتخاباتی به گونه‌ای باشد که احزاب سیاسی را بر آن می‌دارد تا جریان انتخابات را به مثابه یک بازی حاصل جمع صفر بنگرند، آن‌گاه طبیعی است که احزاب یاده شده به تمامی آثانی که در بیرون از خودشان قرار دارند به عنوان بیگانه یا دشمن بنگرند و بدین ترتیب، میزان سایش‌های اجتماعی افزون می‌شود. به هنگام طراحی هر نهاد یا سازه سیاسی، به خاطر دانسته باشید که خط پایین یا خط کف آنست که اگر نمی‌توان از میان تنش‌های اجتماعی کاست، حداقل، کار از آنچه که هست بدتر نشود.

۱۷- نظامی را طراحی کنید که بتواند به سناریوهای احتمالی غیر معمول جواب

بدهد

اغلب اوقات، نظام‌های انتخاباتی برای آن طراحی شده‌اند که از اشتباهات گذشته، به ویژه گذشته نزدیک، احتراز کنند. در این حال باید مراقب بود تا نظامی طراحی نشود که از شدت دوری به آنچه در گذشته وجود داشته، خود مرجد مسایلی جدید باشد. از سوی دیگر، طراحان نظام‌های انتخاباتی باید خود را در معرض پرسش‌هایی غیر عادی و غیر معمولی قرار دهند تا از احتمال بروز حوادث پیش‌بینی نشده در درازمدت، بر اثر اجرای نظام مورد طراحی‌شان، جلوگیری کنند. طراحی پرسش‌های غیر معمول نشان می‌دهد که طراحی نظام انتخاباتی تا چه اندازه از آینده‌نگری و پیش‌بینی سناریوهای احتمالی آتی بهره‌مند بوده است.

### پرسش‌هایی برای طرح آزمایی

در پایان لازمست تا طراح نظام انتخاباتی با ارایه مجموعه‌ای از پرسش‌ها، طرح خویش را در معرض آزمون قرار دهد:

- آیا نظام انتخاباتی طراحی شده، از شفافیت و شمولیت برخوردار است؟
- آیا بافت و شرایط محیطی مورد قبول قرار گرفته است؟
- آیا نظام انتخاباتی طراحی شده، متناسب با مقتضیات زمان است؟
- آیا سازوکارهای مربوط به اصلاحات آتی، روشن و شفاف است؟
- آیا در نظام طراحی شده، وزن کافی به انتخاب کنندگان داده شده است؟
- آیا فرایند طراحی نظام انتخاباتی، از مشروعیت قانونی برخوردار بوده است؟

- آیا سناریوهای غیرمعمول احتمالی، در طراحی، مورد توجه قرار گرفته‌اند؟
- آیا نظام انتخاباتی طراحی شده از نظر مالی و اداری، با ثبات و پایدار است؟

- آیا رأی‌دهندگان احساس قدرتمندی می‌کنند؟
- آیا در طراحی نظام انتخاباتی، پدیده رقابت به خوبی مورد توجه قرار گرفته است؟

- آیا نظام طراحی شده در همخوانی کامل با چارچوب قانون اساسی قرار دارد؟
- آیا نظام انتخاباتی طراحی شده می‌تواند به کاهش میزان منازعات سیاسی - اجتماعی کمک کند؟

### پادداشته‌ها

۱- ساده‌ترین نوع نظام انتخاباتی بر مبنای اکثریت ساده.

۲- نظامی مخلوط که در آن، رأی دهندگان، برخی نمایندگان را برمی‌گزینند و کرسی‌های باقی مانده برای احزاب یا گروه‌هایی دیگر می‌ماند تا در دوره‌ای دیگر از انتخابات، از آن استفاده شود.

۳- نظامی که در آن میزان آراء با میزان کرسی‌ها متناسب است. اگر حزبی ۳۰ درصد آراء را به دست آورد، ۳۰ درصد کرسی‌ها را به دست خواهد آورد.

۴- نظامی که در آنها، کاندیداها، اگر حد نصاب لازم را بیاورند انتخاب می‌شوند و سپس، آراء بعدی میان آنهايي که حداقل پیروزی را به دست آورده‌اند یا حذف شده‌اند، توزیع می‌شود تا تعداد افراد منتخب کامل شود.

۵- نظام دو مرحله‌ای

۶- نظامی که در آن رأی دهندگان از عدد برای نشان دادن علائق خود بر روی برگه رأی استفاده می‌کنند و هر کس که اکثریت مطلق را به دست آورد، انتخاب خواهد شد.